

## باغ‌های ایران و چهارباغ

از نظر فقه‌الغه یا **FILOLOGY** کلمه باغ در ایران معنی **GIARDINO** ایتالیایی یا انگلیسی را نمی‌دهد. وقتی باغ رنسانس غربی یا باغ انگلیسی را با باغ ایرانی مقایسه می‌کنیم متوجه می‌شویم که این دو باغ یعنی باغ در کانسپت شرقی (ایران اسلامی) با باغ غربی تفاوت فاحشی از نقطه نظر عقبه فرهنگی دارد.

کلمه باغ در دوره سلجوقیان وارد مقوله زبان فارسی گردید. همانطوری که مساجد چهار ایوانی، مدارس چهار ایوانی، کاروانسراهای چهار ایوانی و چهار باغ از بدعت‌های این قرن می‌باشند و سلجوقیان با تشکر از میراث فردوسی المانه‌های ساسانی را از نو در ایران احیا نمودند و می‌توان به چرأت ادعا کرد که سلجوقیان پلی بین تمدن ساسانی و تمدنی که بعدها نام اسلام گرفت بودند.

راجع به باغ‌های قبل از اسلام اطلاعات چندانی در دست نیست و تمام مستندات ما برگرفته از اوستا-انجیل-کتاب مقدس و ادبیات کهن می‌باشد.

ولی از نظر علمی یعنی **Archological Garden** یا باستانشناسی باغ که **DISIPLIN** جدیدی می‌باشد و در حال حاضر در دنیای علم قدم‌های اولیه خود را بر میدارد (هنوز نوزاد است) شاید بتوانیم در آینده یافته‌های بیشتری در مورد باغ‌های کهن داشته باشیم.

نظر به کمبود منابع راجع به پژوهش در مورد باغ‌های دنیا و باغ ایرانی به طور خاص، مجبور هستیم که تحقیق خود را از طریق آنالیز هیدرولوژیک و آنالیز سیستم آبیاری و تشریح جهانگردان غربی - شرقی - جغرافی دانان - شاعران - عرفا و به صورت مطلق از طریق فرش ایرانی ارایه نماییم قابل ذکر است که شاعر فرانسوی معتقد بود که **PAULVALLERY** یعنی دلتنگی خالق فانتزی فرش ایرانی دلتنگی نسبت به طبیعت سرسبز و باغ می‌باشد و اگر کمی دقت کنیم متوجه می‌شویم که تمام فرش‌های کویری ایران - کرمان - یزد - قم - کاشان - اصفهان موضوعیت آنها همیشه باغ و گل و بلبل بوده‌اند. چون انسان کویری دلتنگی طبیعت سرسبز را دارا است.

با توجه به طراحی باغ‌های ایرانی میتوان که فرق آن را با باغ غربی دریافت. باغ ایرانی همیشه در تضاد با کویر طراحی شده است و عشق برای باغ ایرانی مشفق شده از ترس از کویر که خود کویر در ضمیر انسان ایرانی (تداعی مرگ صحرای بی آب و علف - تشنگی - محل اقامت جن‌ها و دیوها می‌باشد) ولی آیا برای انسان اروپایی عشق به باغ دقیقاً دلایل انسان ایرانی را دارد؟ شباهت بین باغ ایرانی و بهشت در ادبیات قرآنی قابل کنکاش است.

در قرآن کریم ایده بهشت اولین بار از طریق حضرت محمد (ص) به بندگان پاک خدا بشارت داده شد، آنهایی که قلبی صاف دارند و سپس بعد از طریق عرفا - علما - شاعران - معماران بسط و گسترش یافت. در قرآن در سوره واقعه آیه 19، 20 و 21 داریم که برای بندگان پاک خدا قیامت در باغی است: جایی که آنها در یک تخت طلایی آرمیده اند و به آنها شراب داده میشود و حورهایی با چشم سیاه حضور دارند. و در جایی دیگر آیه 22 تشریح بهشت میباشد که المان های تشکیل دهند آن عبارتند از:

۱- رودخانه‌ای از آب زلال که هیچ وقت قطع نمیشود یعنی جاویدان است.

۲- رودخانه‌ای از شیر که مزه آن هیچ وقت تغییر نمیکند.

۳- رودخانه‌ای از شراب که کیفیت آن یک خوشمزه‌گی یا طعم بخصوص دارد برای کسی که آن را مینوشد.

۴- رودخانه‌ای از عسل خالص.

در شعر ایرانی ایده‌ای راجع به باغ ارم داریم. (منظور ارم شیراز نیست) برای اولین بار در یمن امروزی توسط شهداد شاه باغ‌هایی در رقابت با بهشت ساخته شد و زمانی که خواستند باغ‌ها را افتتاح کنند شهداد شاه جان به جان آفرین تسلیم کرد.

تمام شاعران ایرانی راجع به باغ شعری سروده اند که در اینجا به اختصار میتوانیم از حافظ، خیام، مولانا، نظامی، سعدی و ... نام ببریم. به صورت مطلق ایده باغ ایرانی را میتوانیم در اشعار سعدی و ادبیات هزار و یک شب جستجو کنیم. باغ به صورت مطلق در هفت پیکر نظامیشکل میگیرد.

حال داستان چگونه بود.

در هفت پیکر به پرسوناژ **PERSONAGGIO** بهرام‌گور که برای تربیت به یمن فرستاده شده بود بر میخوریم. روزی بهرام در اطاقی را باز میکند، وارد یک گالری نقاشی میشود که از گنجینه‌های چین با ارزش تر بود و در این گالری هفت اثر مبینند که به ترتیب عبارتند از:

۱- نقاشی دختر شاه‌هند (که از ماه کامل نیز قشنگ تر میباشد)

۲- نقاشی دختر شاه خوارزم

۳- نقاشی دختر شاه اسلاوها

۴- نقاشی دختر شاه غربی‌ها یا آذربون

۵- نقاشی دختر شاه رم - سزار

۶- نقاشی دختر شاه ایران از نژاد کیکاووس

## ۷- نقاشی دختر شاه چین

براساس داستان بهرام، عاشق هر هفت نفر میشود و برای هر کدام باغی میسازد.

شنبه: بهرام شب را در کاخ سیاه با دختر شاه‌هند میگذراند و علت سیاه پوشیدن آنها را میپرسد و دختر شاه‌هند شروع به گفتن یک داستان میکند و میگوید یکی بود یکی نبود...

یکشنبه در کاخ زرد یا کاخ دختر سزار

دوشنبه در کاخ سبز یا کاخ دختر قاره سوم یا خوارزم

سه شنبه در کاخ قرمز یا کاخ دختر قاره چهارم ماه غربی

چهارشنبه در کاخ فیروزآباد یا دختر قاره پنجم

پنجشنبه در کاخ (Sadai) یا شاه چین

جمعه در کاخ سفید یا شاه قاره هفتم یا شاه ایران از نژاد کیکاووس

تمام سلطان ها - کادی ها - خلیفه‌ها - شاه‌ها - امپراطورها سعی نموده اند که برای خود باغی درست کنند شبیه یا در رقابت با بهشت باشد.

در این باره تاکید به حدی قوی است که تمام سیستم داستان‌سرایی ما استناد به باغ کرده اند برای نمونه باغ حسن صبا در قلعه الموت.

از دید آنالیز معماری باغ ایرانی دارای سه عنصر اساسی است که عبارتند از:

۱- حصار ۲- مرکز ۳- پلان چهارباغ که بعدها عامل سوم اسم باغ گردید.

۲- در چهارباغ‌ها ما همیشه دو آکس عمود بر هم داریم که اصولاً این تقسیم بندی توسط نهرهای آب انجام میگیرد و عباتند از آکس شمال به جنوب و آکس شرق به غرب که همیشه در یک سوم پلان میباشد.

۳- از دید سمبولیک عدد چهار یعنی چهار قسمت دنیا و مرکز باغ با آیت‌های خود ناف دنیا را تداعی میکند. خوب چهار رودخانه در باغ که بعد از مبنای خود به یک مرکز ختم میشوند نشان دهنده چهار جهت اصلی میباشد که نمایندگی برکت و زمان را تداعی میکند.

۴- عدد چهار در کزمولوژی (COSMOLOGY) یعنی کیهان شناسی اسلامی معنای ذیل تعبیر میشود:

۵- المان‌های طبیعی (سرد، گرم، خشک و مرطوب)

۶- چهار عنصر اولیه (آب، هوا، زمین و آتش)

۷- چهار جهت اصلی (شمال، جنوب، غرب و شرق)

۸- چهار عنصر (فلز، گیاه، حیوان و انسان)

در حالیکه المان های اصلی باغ غربی عبارتند از:

1- مجسمه، 2- غار، 3- (لابیرینتو 4 (LABIRINTIO)- تصاویر اسطوره‌ای. در باغ غربی درختان

تزیینی هستند ولی در باغ شرقی درختان میوه‌ای میباشند.

در آخر به تقابل دینی دو عنصر باغ غربی و شرقی میپردازیم. در باغ غرب مجسمه وجود دارد چیزی که در

باغ شرقی غیرقابل تصور است، چون تصویر در المان های معماری اسلامی ممنوعه است. غار در باغ غرب

سمبل طبیعت بکر است در حالی که سمبل باغ شرقی بهشت میباشد. به عنوان المان،

**LABRINTO EXPRESSIVE** یک نوع گم کردن در انسان به وجود می‌آورد در حالی که باغ شرقی

براساس پیدا کردن خود شخص مسلمان را تداعی میکند. درختان که در باغ های اسلامی همیشه و بهر

دلیلی درختان میوه هستند در حالی که در باغ غربی سمبل درخت یک المان تزیینی است.

حسن اصائلو

نویسنده متن: حسن اصائلو